

مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز

دوره‌ی نهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۷۲/۳، صفحه‌های ۶۷-۹۷

(مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی پیشین)

## بررسی رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)

لیدا صیادی\*\*

دکتر محمدحسین ستایش\*

دانشگاه شیراز

### چکیده

در نظریه‌ی نمایندگی جریان‌های نقدی آزاد، شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد بالا، اما فرصت‌های رشد اندک، احتمالاً مدیریت سود بالا را تجربه می‌کنند. حسابرسان با کیفیت بالا احتمال بیشتری برای شناسایی شیوه‌های مدیریت سود دارند و یکی از راه‌های کاهش مدیریت سود ناشی از جریان نقد آزاد مازاد است. در این تحقیق تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه‌ی بین جریان نقد آزاد مازاد و مدیریت سود در نمونه‌ای متشکل از ۹۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳ بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استفاده از مؤسسه‌ی حسابرسی با کیفیت بالا و با شهرت و تغییر حسابرسان، تعارض مربوط به هزینه‌ی نمایندگی ناشی از جریان‌های نقد آزاد مازاد را کاهش می‌دهد و به عبارتی باعث کاهش مدیریت سود ناشی از جریان‌های نقد آزاد مازاد با شدت بیشتر می‌شود که در نتیجه افزایش کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت را به دنبال دارد.

**کلید واژه‌ها:** جریان‌های نقد آزاد مازاد، کیفیت حسابرسی، اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی، تغییر

حسابرسان، مدیریت سود

\* استاد حسابداری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) setayesh@shirazu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران Lsayadi67@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۵

### ۱. مقدمه

از جمله اهداف گزارشگری مالی، ارائه‌ی اطلاعات سودمند به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و طیفی گسترده از دیگر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به‌منظور تصمیم‌گیری‌های مختلف است. گزارشگری مالی همچنین نتایج ایفای وظیفه‌ی مباشرت مدیریت یا پاسخگویی آن‌ها را نشان می‌دهد در قبال منابعی که در اختیارشان قرار گرفته است. با توجه به اینکه بین مدیریت و سهامداران تضاد منافع وجود دارد و مدیران در پی حداکثر کردن پاداش و مزایای خود هستند، انگیزه‌ی کافی برای دست‌کاری و تحریف ارقام حسابداری در مدیران وجود دارد. در نتیجه مدیریت در پی حداکثر کردن منافع خود با هزینه‌ی سهامداران و شرکت است.

جریان‌های نقد آزاد مازاد نشان‌دهنده‌ی جریان‌های نقد اضافی است که در این پژوهش از طریق جریان‌های نقد انباشته‌شده و چشم‌انداز رشد شرکت محاسبه خواهد شد. شرکت‌هایی که منابع نقدی قابل‌توجهی نگهداری می‌کنند و دارای چشم‌انداز پایین رشد هستند، تمایل به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی (NPV)<sup>۱</sup> دارند؛ لذا این شرکت‌ها به‌احتمال بسیار زیاد تصمیم به سرمایه‌گذاری غیرعقلانه می‌گیرند (چانگ و همکاران، ۲۰۰۵). لای (۲۰۰۹)، گول و همکاران (۲۰۱۰) و بلیس و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که حسابرسان با کیفیت بالاتر، تمایل دارند که اشتباهات و سوءاستفاده‌ها را گزارش داده و هیچ تمایلی به پذیرش شیوه‌های حسابداری مشکوک ندارند (راستین و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۲۰). با توجه به مقالات پیش‌گفته و از آنجایی که نویسندگان مقاله‌ی حاضر در پژوهشی دیگر به رابطه‌ی مثبت بین جریان‌های نقد آزاد مازاد (SFCF)<sup>۲</sup> و مدیریت سود رسیدند، در ادامه‌ی آن بحث، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر متغیر تعدیل‌کننده‌ی کیفیت حسابرسی بر رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود پرداخته است.

### ۲. مبانی نظری

#### ۲-۱. تبیین رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود

بسیاری از مطالعات مربوط به جریان نقدی آزاد بر فرضیه‌ی جریان نقدی آزاد متمرکزند

که فرض می‌کند جریان نقدی آزادِ بیش‌ازاندازه، منجر به سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد (ریچاردسون، ۲۰۰۶؛ وای و ژانگ، ۲۰۰۸) و چشم‌اندازِ هزینه‌ی نمایندگی می‌شود که در آن شرکت‌هایی با جریان نقدی آزادِ بالا همراه با فرصت‌های رشدِ اندک، درگیرِ فعالیت‌هایی غیر از فعالیت‌های پیشینه‌سازی ارزش هستند (جنسن، ۱۹۸۶؛ وگت، ۱۹۹۴؛ گول، ۱۹۹۸).

جاگی و گول (۲۰۰۶) رابطه‌ای مثبت را بین جریان وجه نقد و مدیریت سود نشان می‌دهند. این نویسندگان بیان می‌کنند که مدیران شرکت‌ها با جریان نقد بالا، با دست‌کاری سود رو به بالا، عملکرد شرکت را خوب نشان می‌دهند و امنیت شغلی را حفظ می‌کنند (نخیلی و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۵۷-۲۵۶).

## ۲-۲. تبیین نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی بر رابطه‌ی بین جریان‌های نقد

### آزاد مازاد و مدیریت سود

چانگ و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که مدیران برای کسب منافع اقتصادی و یا سایر مزایای شخصی ممکن است پروژه‌هایی را انتخاب کنند که به خودشان بهره برسانند. زمانی که اعمال نظارت و یا تنبیهات انضباطی، توسط ذی‌نفعان خارجی مؤثر نباشد، مدیران ممکن است این گزینه را انتخاب کنند که در پروژه‌های NPV کم سود و یا حتی منفی، سرمایه‌گذاری کنند. شرکت‌ها با سطح جریان نقد آزاد بالا از اقلام تعهدی افزایشی برای پنهان کردن پروژه‌های NPV منفی استفاده می‌کنند. نتیجه‌ی پژوهش آن‌ها مطابق با نتیجه‌ی بوکیت و اسکندر (۲۰۰۹) است که دریافتند مدیریت سود در شرکت‌هایی با سطح جریان نقد آزاد بالا به‌آسانی محتمل است (نخیلی و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۵۷-۲۵۶).

دلیل این نوع رفتار مدیران این است که تشخیص هزینه‌ی نمایندگی جریان نقدی آزاد (سرمایه‌گذاری در پروژه‌های NPV منفی) بسیار دشوار است. غیاب مقرراتی که مدیران را ملزم به افشای پیش‌بینی‌های جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاری، از جمله فرض‌های پشت سر آن‌ها برای سرمایه‌گذاران می‌کند، به پنهان‌کاری تجاری می‌انجامد. این وضعیت سبب می‌شود که مدیران تصمیمات سرمایه‌گذاری بد خود را مخفی کنند (راسمین و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۱۹). علاوه بر این چانگ و همکاران (۲۰۰۵) احتمال می‌دهند که مدیران مُعرض، ممکن است

که حتی به صورت ناخودآگاه، جریان‌های نقدی را برای برخی از سرمایه‌گذاری‌ها، همانند آنچه طراحی نکنند که برای برخی از فعالیت‌های مطبوع و یا نیاز شخصی برنامه‌ریزی می‌کنند که سبب می‌شود از پیش‌بینی‌های وجوه نقدی و سود، چشم‌پوشی کنند. با این حال آن‌ها بر این باورند که سرمایه‌گذاری‌های ضعیف، خودشان را در گزارش سود آتی شرکت نشان خواهند داد و استدلال می‌کنند که سرمایه‌گذاری‌هایی غیر از سرمایه‌گذاری بیشینه‌سازی ارزش، در نهایت درآمد را کاهش می‌دهند. از سوی دیگر مدیران هم می‌توانند تأثیر سرمایه‌گذاری‌های NPV منفی یا کم سود را بر درآمد با استفاده از حسابداری خلاقانه مخفی کنند. آن‌ها می‌توانند از روش‌های حسابداری استفاده کنند که درآمد گزارش‌شده را افزایش داده و به ارزیابی بازار بالاتری بی‌انجامد. همانند سایر شرایط در اینجا نیز هیچ راهی وجود ندارد برای سرمایه‌گذاران در شرکت‌هایی با جریان‌های نقد آزاد مازاد، شرکت‌هایی که قادر به حل نمودن کامل شیوه‌های مدیریت سود هستند. مدیران شرکت، مدیریت سود را از طریق حسابداری خلاقانه توسط مدیریت اقلام تعهدی اختیاری به کار می‌برند (راسمین و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۱۹).

تقاضا برای کیفیت اطلاعات حسابداری به‌عنوان جنبه‌های اساسی حاکمیت شرکتی است. به‌طور کلی پذیرفته شده است که شرکت‌های حسابرسی بزرگ (باکیفیت) اعتبار بهتری از صحت و انسجام صورت‌های مالی ارائه می‌کنند (دی انجلو، ۱۹۸۱). بر این اساس چانگ و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که مؤسسه‌ی حسابرسی بزرگ استفاده از اقلام تعهدی اختیاری را محدود می‌کند و این نتیجه همانند پژوهش راسمین و همکاران (۲۰۱۴) در مالزی است. پیوت و جنین (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند که استفاده از کیفیت حسابرسی بالا منجر به اقلام حسابداری با قابلیت اطمینان بیشتری نسبت به صحت آن می‌شود (نخیلی و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۵۸).

این یافته‌ها نشان می‌دهد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی از جمله کیفیت حسابرسی جایگزین نقش نظارتی رفتار مدیران برای کاهش مدیریت سود در حضور جریان نقد آزاد است (نخیلی و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۵۶). بارزترین سازمان حرفه‌ای مستقل، مؤسسات حسابرسی هستند که از طریق وظیفه‌ی اعتبار دهی بر صحت خروجی (گزارش‌های) مالی شرکت‌ها گواهی می‌دهند (پیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶).

هم‌راستا با استدلال‌های مورد استفاده در مطالعات قبلی، در این مطالعه هم در شرایطی

شرکت‌های دارای SFCF، ممکن است با هزینه‌ی نمایندگی جریان نقدی آزاد مواجه شوند (راسمین و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۲۰).

### ۳. پیشینه‌ی پژوهش

#### ۳-۱. پیشینه‌ی خارجی

چانگ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی باهدف بررسی «ارتباط بین جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود در شرکت‌ها» دریافتند که شرکت‌های دارای رشد کم و جریان‌های نقدی آزاد بالا برای تقلیل اثر منفی سرمایه‌گذاری جریان‌های نقد آزاد در پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی، مبادرت به استفاده از اقلام تعهدی اختیاری برای افزایش سود شرکت می‌کنند. همچنین آن‌ها دریافتند که نظارت بیرونی توسط مؤسسات حسابرسی با کیفیت حسابرسی بالا و سرمایه‌گذاران نهادی، رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد و استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

لین و هاوانگ (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان «کیفیت حسابرسی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود: یک فرا تحلیل» ۱۲ رابطه‌ی معنادار با ادغام نتایج ۴۸ مطالعه‌ی قبلی شناسایی کرده‌اند و به این نتیجه رسیدند که بین حاکمیت شرکتی، استقلال کمیته‌ی حسابرسی و مدیریت سود رابطه‌ی منفی وجود دارد و مالکیت سهام کمیته‌ی حسابرسی یک تأثیر مثبت بر مدیریت سود دارد. همچنین کیفیت حسابرسی از جمله دوره‌ی تصدی حسابرس و اندازه‌ی حسابرس و تخصص رابطه‌ی منفی با مدیریت سود دارد.

راسمین و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر جریان نقد آزاد مازاد و کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود نمونه کشورهای مثلث رشد» به این نتیجه رسیدند که متوسط اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان چهار مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی نسبت به شرکت‌هایی که به‌غیر از این حسابرسی شده‌اند، به میزان قابل توجهی کوچک‌تر است و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل چند متغیره حاکی از این است که کیفیت حسابرسی تنها ارتباط معنی‌دار اندکی با مدیریت سود دارد. علاوه بر این نشان می‌دهد که حسابرسان چهار مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی، روابط مدیریت سود جریان نقد آزاد مازاد را

تعدیل می‌کنند.

نخیلی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و مالکیت نهادی بر مدیریت سود پرداختند. آن‌ها دریافتند که حاکمیت شرکتی از جمله کمیته‌ی حسابرسی و کیفیت حسابرسی مستقل، مدیریت سود را کاهش می‌دهد؛ و همچنین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی در نقش نظارت بر رفتار مدیران، در کاهش مدیریت سود در حضور مشکلات ناشی از جریان نقد آزاد هستند.

اینام و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «اثر بخشی کمیته‌ی حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود: یک فرا تحلیل (متاآنالیز)» به بررسی متاآنالیز نتیجه‌ی ۵۸ مطالعه‌ی قبلی پرداخته‌شده تا مشخص شود که آیا تفاوت در نتایج مطالعات قبلی با اثرات تعدیل‌کننده‌ی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و اندازه‌گیری مدیریت سود مرتبط است یا خیر؟ آن‌ها با استفاده از متاآنالیز بسیاری از روابط مهم را شناسایی کرده‌اند و دریافتند که استقلال کمیته‌ی حسابرسی، اندازه و تخصص و تعداد جلسات رابطه‌ی منفی با مدیریت سود دارد و همچنین رابطه‌ی منفی بین اندازه‌ی حسابرس و تخصص با مدیریت سود وجود دارد.

مو و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش با عنوان «مدیران مستقل و مدیریت سود: تأثیر تعدیل‌کنندگی سهامداران کنترلی و واگرایی جریان نقد و حقوق کنترلی» به بررسی تأثیر مدیران مستقل و مدیریت سود و همچنین اثر تعدیل‌کننده‌ی سهامداران کنترلی و واگرایی جریان نقد و حقوق کنترلی پرداختند. آن‌ها دریافتند سهامداران کنترلی و واگرایی جریان نقد و حقوق کنترلی تأثیر قابل توجهی بر رابطه‌ی مدیران مستقل و مدیریت سود دارند.

## ۲-۳. پیشینه‌ی داخلی

جعفری و همکاران (۱۳۹۲) تأثیر تغییر حسابرس بر کیفیت حسابرسی را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تغییر حسابرس با کشف تحریف‌های مالیاتی و تحریف ناشی از اشتباه در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری رابطه‌ی معناداری دارد و باعث افزایش نسبت موفقیت کشف این تحریف‌ها شده است؛ اما چنین رابطه‌ای بین تغییر حسابرس و تحریف در برآوردهای حسابداری، تحریف

قوانین و سایر تحریف‌ها دیده نشد.

پیری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین مسائل ناشی از نمایندگی جریان وجوه نقد آزاد با محتوای اطلاعاتی سود و ارزش دفتری در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران با بهره‌گیری از الگوی داده‌های ترکیبی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که محتوای اطلاعاتی سود هر سهم در شرکت‌هایی که با مسئله‌ی هزینه‌های نماینده روبرو هستند، کمتر از سایر شرکت‌ها است؛ اما در مورد محتوای اطلاعاتی ارزش دفتری هر سهم، نتایج معناداری حاصل نشد.

ستایش و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ساختار مالکیت و ساختار سرمایه بر جریان‌های نقد آزاد» دو جنبه‌ی اساسی ساختار مالکیت شرکت‌ها یعنی ترکیب سهامداران و میزان تمرکز مالکیت را بررسی کردند. ترکیب سهامداران از طریق چهار متغیر مالکیت خارجی، مالکیت شرکتی، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی اندازه‌گیری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مالکیت شرکتی به صورت مستقیم و نسبت بدهی به صورت معکوس با جریان نقد آزاد شرکت‌ها رابطه‌ی معناداری دارند. اما شواهدی دال بر وجود رابطه‌ی معنادار بین مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت با جریان نقد آزاد شرکت‌ها مشاهده نشد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه سود» به بررسی رابطه‌ی بین احتمال دستیابی به آستانه‌های خاصی از سود (شامل اجتناب از زیان، اجتناب از کاهش سود و اجتناب از سود غیرمنتظره‌ی منفی) و کیفیت حسابرسی می‌پردازد. یافته‌های حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که بین احتمال مدیریت سود با هدف دستیابی یا پیشگیری از سود سال قبل و اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و امتیاز کنترل وضعیت و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد؛ اما رابطه‌ی معناداری بین کیفیت حسابرسی و آستانه‌های اجتناب از زیان و اجتناب از سود غیرمنتظره‌ی منفی یافت نشد.

ستایش و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و کیفیت حسابرسی با استفاده از سه شاخص اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی، تغییر حسابرس و نوع اظهار نظر حسابرس بر مدیریت سود پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که جریان‌های

نقد آزاد مازاد با مدیریت سود رابطه‌ی مثبت معنادار و اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابداری و تغییر حسابداری با مدیریت سود رابطه‌ی منفی معناداری دارند. در نهایت شرکت‌های با جریان‌های نقد آزاد مازاد بالا، مدیریت سود بالاتری دارند و افزایش کیفیت حسابداری ناشی از اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابداری و تغییر حسابداری باعث کاهش مدیریت سود شده است.

#### ۴. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی تجربی، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

**فرضیه‌ی اصلی:** کیفیت حسابداری، رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود را

تعدیل می‌کند؛

**فرضیه‌ی فرعی اول:** اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابداری، رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و

مدیریت سود را تعدیل می‌کند؛

**فرضیه‌ی اصلی دوم:** تغییر حسابداری، رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود

را تعدیل می‌کند؛

**فرضیه‌ی اصلی سوم:** نوع اظهارنظر حسابداری، رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و

مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

#### ۵. روش‌شناسی پژوهش

##### ۵-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی، از نظر فرایند اجرا از نوع کمی، از بعد زمانی از نوع گذشته‌نگر و پس رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از تحلیل رگرسیون با داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین، سامانه‌ی مدیریت پژوهش سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایت کدال گردآوری شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار Eviews نسخه‌ی ۷ استفاده شده است.



## ۲-۵. مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

فرضیه‌ی اصلی پژوهش حاضر بر اساس مطالعات اکتشافی اولیه‌ی بررسی متون نظری و پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده است و به شرح زیر بیان می‌شود:

$$\begin{aligned} DAC_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 SFCF_{it} + \alpha_2 Auditquality_{it} + \alpha_3 SFCF \\ & \times \alpha_2 Auditquality_{it} + \alpha_4 FSize_{it} \\ & + \alpha_5 AbsTAC_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} + \alpha_7 Loss \\ & + \varepsilon_i \end{aligned} \quad \text{مدل (۱)}$$

برای آزمون فرضیه‌ی فرعی اول از مدل (۲) و فرضیه‌ی فرعی دوم از مدل (۳) و فرضیه‌ی فرعی سوم از مدل (۴) و داده‌های ترکیبی به شرح زیر استفاده می‌شود که مستخرج از مدل شماره‌ی (۱) است:

$$\begin{aligned} DAC_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 SFCF_{it} + \alpha_2 Audit\ size_{it} + \alpha_3 SFCF \times Audit\ size_{it} \\ & + \alpha_4 FSize_{it} + \alpha_5 AbsTAC_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} \\ & + \alpha_7 Loss + \varepsilon_i \end{aligned} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$\begin{aligned} DAC_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 SFCF_{it} + \alpha_2 Audit\ change_{it} + \alpha_3 SFCF \times \\ & Audit\ change_{it} + \alpha_4 FSize_{it} + \alpha_5 AbsTAC_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} + \\ & \alpha_7 Loss + \varepsilon_i \end{aligned} \quad \text{مدل (۳)}$$

$$\begin{aligned} DAC_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 SFCF_{it} + \alpha_2 Audit\ opinion_{it} + \alpha_3 SFCF \times \\ & Audit\ opinion_{it} + \alpha_4 FSize_{it} + \alpha_5 AbsTAC_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} + \\ & \alpha_7 Loss + \varepsilon_i \end{aligned} \quad \text{مدل (۴)}$$

## ۱-۲-۵. متغیر وابسته

• **مدیریت سود:** متغیر وابسته‌ی پژوهش شامل مدیریت سود است که از طریق شاخص DAC (اقدام تعهدی اختیاری) اندازه‌گیری می‌شود و برای تخمین اقدام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل‌شده‌ی جونز همانند روش‌های موسی رضایی (۱۳۹۱)، ثقفی و همکاران (۱۳۹۳) استفاده شده است.

قبل از تخمین اقدام تعهدی اختیاری، اقدام تعهدی کل از رابطه‌ی (۱) محاسبه می‌شود.

$$TAC_{i,t} = (\Delta CA_{i,t} - \Delta Cash_{i,t}) - (\Delta CL_{i,t} - \Delta LTD_{i,t} - \Delta ITP_{i,t}) - DPA_{i,t} \quad \text{رابطه‌ی (۱)}$$

که در آن

$TAC_{i,t}$ : مجموع ارقام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $\Delta CA_{i,t}$ : تغییر در دارایی‌های جاری شرکت  $i$  بین سال‌های  $t$  و  $t-1$ ؛  $\Delta Cash_{i,t}$ : تغییر در مانده وجه نقد شرکت  $i$  بین سال‌های  $t$  و  $t-1$ ؛  $\Delta CL_{i,t}$ : تغییر در بدهی‌های جاری شرکت  $i$  بین سال‌های  $t$  و  $t-1$ ؛  $\Delta LTD_{i,t}$ : تغییر در حصة جاری بدهی‌های بلندمدت شرکت  $i$  بین سال‌های  $t$  و  $t-1$ ؛  $\Delta ITP_{i,t}$ : تغییر در مالیات بر درآمد پرداختنی بین سال‌های  $t$  و  $t-1$ ؛  $DPA_{i,t}$ : هزینه‌ی استهلاک دارایی‌های ثابت و نامشهود شرکت  $i$  در سال  $t$ .

سپس با استفاده از مدل تعدیل‌شده‌ی جونز (۱۹۹۱) که دو و همکاران (۱۹۹۵) آن را توسعه دادند، ارقام تعهدی کل به دو بخش ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تجزیه می‌شود (مدل ۵). با استفاده از مدل (۵)، مقادیر  $\alpha$ ,  $\beta$ ,  $\gamma$  به صورت مقطعی برآورد می‌شود.

$$TAC_{i,t}/TA_{i,t-1} = \alpha_{i,t}[1/TA_{i,t-1}] + \beta_{i,t}[\Delta REV_{i,t}/TA_{i,t-1}] + \gamma_i[PPE_{i,t}/TA_{i,t-1}] \quad \text{مدل (۵)}$$

که در آن

$TAC_{i,t}$ : مجموع ارقام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $TA_{i,t-1}$ : مجموع دارایی شرکت  $i$  در پایان سال  $t-1$ ؛  $\Delta REV_{i,t}$ : تغییرات فروش خالص شرکت  $i$  بین سال‌های  $t$  و  $t-1$ ؛  $PPE_{i,t}$ : ناخالص دارایی‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $\alpha_i, \gamma_i, \beta_i$ : پارامترهای برآوردی مختص هر شرکت؛  $\varepsilon_i$ : میزان خطا. سپس ضرایب برآوردی، در مدل (۶) جای گذاری شده و سپس مقدار NDAC محاسبه می‌شود. ارقام تعهدی غیر اختیاری به شرح زیر به دست می‌آید.

$$NDAC = \alpha_{i,t}[1/TA_{i,t-1}] + \beta_{i,t}[(\Delta REV_{i,t} - \Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})/TA_{i,t-1}] + \gamma_{i,t}[PPE_{i,t}/TA_{i,t-1}] \quad \text{مدل (۶)}$$

که در آن

$\Delta REC_{i,t}$ : تغییرات حساب‌های دریافتنی شرکت  $i$  بین سال‌های  $t$  و  $t-1$ ، در نتیجه ارقام تعهدی اختیاری نیز از رابطه‌ی (۲) محاسبه می‌شود.

$$DAC = TAC - NDAC$$

رابطه‌ی (۲)

### ۲-۲-۵. متغیر مستقل

**جریان‌های نقد آزاد مازاد:** در این پژوهش مسئله‌ی نمایندگی جریان‌های نقد آزاد مازاد با استفاده از تعاریف عملیاتی از جریان‌های نقد آزاد و چشم‌انداز رشد یک شرکت بیان می‌شود و یک متغیر مصنوعی است. در صورتی که نسبت جریان وجوه نقد آزاد بالاتر از متوسط نمونه برای صنعت مربوط در آن سال و نسبت رشد (مقدار قیمت بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری مربوط به نسبت سرمایه) کمتر از متوسط نمونه برای صنعت مربوط در همان سال باشد، برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است و برای اندازه‌گیری فرصت‌های رشد از نسبت ارزش بازار (تعداد سهام منتشرشده در آخرین قیمت معاملاتی) به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت استفاده می‌شود (سینایی و رشیدی زاد، ۱۳۸۹: ۳۵ و بشکوه و جهانگیری دیواری، ۱۳۹۲: ۴۴).

مقدار قیمت بازار به ارزش دفتری مربوط به نسبت سرمایه، تفاوت‌های بین ارزش بازار یک شرکت و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آن را بیان می‌کند که در آن تفاوت بالاتر نشان‌دهنده‌ی فرصت‌های رشد بیشتر برای شرکت است (جاگی و گول، ۱۹۹۹). شرکت‌هایی با مقدار بالای جریان نقدی آزاد، اما فرصت‌های رشد اندک، به‌عنوان شرکت‌های دارای مسئله‌ی نمایندگی جریان وجوه نقد آزاد مازاد، مشاهده می‌شوند (بوکیت و اسکندر، ۲۰۰۹؛ چانگ و همکاران، ۲۰۰۵؛ رحمان و محمد صالح، ۲۰۰۸). همانند چانگ و همکاران (۲۰۰۵)، وانگ (۲۰۱۰) و نمازی و شکرالهی (۱۳۹۲) برای محاسبه‌ی جریان‌های نقدی آزاد از مدل لن و پولسون (۱۹۸۹) استفاده می‌شود. بر اساس این مدل، جریان‌های نقدی آزاد از سود عملیاتی منهای مالیات‌ها، هزینه‌ی مالی و سود تقسیمی پرداختی به دست می‌آید و با تقسیم بر مجموع دارایی‌ها استاندارد می‌شود.

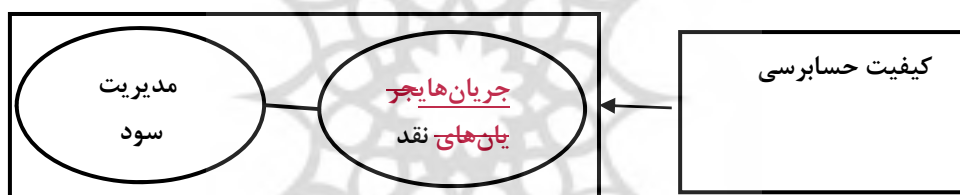
$$FCF_{it} = (INC_{it} - TAX_{it} - IEXP_{it} - PSDIV_{it}) / ASSET_t \quad (۳)$$

•  $FCF_{it}$ : جریان وجوه نقد آزاد شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $INC_{it}$ : سود عملیاتی قبل از کسر هزینه استهلاک شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $TAX_{it}$ : مالیات بر سود شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $IEXP_{it}$ :

هزینه‌ی بهره‌ی ناخالص در بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت  $i$  در سال  $t$ :  $PSDIVit$   
 مقدار کل سود سهام پرداختی به کل سهامداران مربوط به شرکت  $i$  در سال  $t$ :  $ASSETt$   
 ارزش دفتری دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ .

### ۳-۲-۵. متغیر تعدیل‌کننده

• متغیر تعدیل‌گر متغیری است که بر رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته تأثیر اقتضایی دارد؛ به عبارت دیگر متغیر تعدیل‌گر رابطه‌ی مورد انتظار اصلی بین متغیرهای مستقل و وابسته را تغییر می‌دهد. در پژوهش حاضر رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل، وابسته و تعدیل‌گر به صورت مدل زیر نمایش داده شده است:



**کیفیت حسابرسی (Audit quality):** به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده

است و با استفاده از سه شاخص زیر سنجیده می‌شود:

**اندازه‌ی مؤسسه حسابرسی (Audit size):** بر اساس پژوهش راسمین و همکاران

(۲۰۱۴)، نمازی و همکاران (۱۳۹۰)، نونهال زهر (۱۳۹۲)، از یک متغیر دوجهی استفاده

خواهد شد. به این ترتیب که اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد یک را اختیار

می‌کند و در غیر این صورت عدد صفر؛

**تغییر حسابرس (Audit change):** بر اساس پژوهش‌های بهار مقدم و همکاران

(۱۳۹۴)، مهدوی و همکاران (۱۳۹۴)، بنی مهد (۱۳۹۲) یک متغیر دوجهی استفاده خواهد

شد و بدین صورت محاسبه می‌شود که اگر سال مورد بررسی (سال  $t$ )، آخرین سال فعالیت

حسابرس در شرکت مورد نظر باشد، به عبارت دیگر حسابرس در سال بعد تغییر پیدا کرده باشد،

عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد؛

نوع اظهارنظر حسابرس (Audit opinion): بر اساس پژوهش‌های بنی مهد (۱۳۹۲)، ابراهیمی کردلر (۱۳۸۷) برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از یک متغیر دوجبه‌ای استفاده خواهد شد. بدین صورت که اگر اظهارنظر مقبول باشد یک و در غیر این صورت صفر تعلق می‌گیرد.

#### ۴-۲-۵. متغیر کنترلی

**اندازه‌ی شرکت (Fsize):** به‌عنوان یک متغیر کنترلی است و همانند پژوهش‌هایی از قبیل جورکوس و همکاران (۲۰۱۰)، نونهال نهر و همکاران (۱۳۹۲) و مرادی و همکاران (۱۳۹۲)، اندازه‌ی شرکت‌ها از لگاریتم طبیعی فروش‌های کل شرکت به دست می‌آید.

**قدر مطلق اقلام تعهدی تعدیل‌شده (AbsTac):** از این متغیر به‌منظور کنترل نمودن «پتانسیل ایجاد اقلام تعهدی» یک شرکت استفاده می‌شود (بکر و همکاران، ۱۹۹۸). در این پژوهش مطابق با پژوهش‌های راسمین و همکاران (۲۰۱۴)، چانگ (۲۰۰۵) به‌عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود و از طریق ارزش کل اقلام تعهدی شرکت در پایان سال تقسیم بر کل دارایی‌های آن در پایان سال به دست می‌آید.

**اهرم مالی (Leverage):** در این پژوهش مطابق با پژوهش‌های راسمین و همکاران (۲۰۱۴)، ردهوان و کواسماعیل (۲۰۱۴)، ردهوان و کواسماعیل (۲۰۱۳) و نونهال نهر و همکاران (۱۳۹۲) اهرم مالی به‌عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود که از تقسیم کل بدهی‌های شرکت در پایان سال تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت در پایان سال به دست می‌آید.

**زیان ده بودن شرکت (Loss):** یک متغیر مصنوعی که برای کنترل زیان، شرکت‌های زیان‌دیده برابر با یک و برای سایر شرکت‌ها برابر با صفر است که مطابق با پژوهش ردهوان و کواسماعیل (۲۰۱۴)، جبارزاده کنگرلویی و همکاران (۱۳۹۳) و جعفر نژاد و همکاران (۱۳۹۴) به‌عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته‌شده است.

#### ۳-۵. جامعه و نمونه آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش در برگیرنده‌ی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ده‌ساله از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۳ است. در این پژوهش هیچ‌گونه

نمونه‌گیری انجام نشده است؛ بنابراین تجزیه و تحلیل روی کل اجزای جامعه است؛ اما برای انتخاب شرکت‌ها پیش‌فرض‌های زیر اعمال می‌شود:

۱. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بانک‌ها نباشند؛
۲. پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند هر سال باشد؛
۳. در دوره‌ی زمانی موردنظر تغییر سال مالی نداده باشند؛
۴. طی دوره‌ی موردبررسی در بورس فعالیت داشته باشند؛
۵. اطلاعات موردنظر در دسترس باشد.

با اعمال محدودیت‌های بالا، از بین شرکت‌های مربوط به جامعه‌ی آماری، تعداد ۹۷ شرکت که دارای شرایط بالا بودند از میان صنایع مختلف به‌عنوان نمونه برای بومی‌سازی مدل انتخاب شدند.

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. آمار توصیفی

آمارهای توصیفی پژوهش که شمایی کلی از وضعیت توزیع مشاهده‌ها را ارائه می‌کنند در نگاره شماره (۱) ارائه شده‌اند.

#### نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مدیریت سود	-۰/۰۱۵	-۰/۰۰۲	۰/۴۹۵	-۳/۲۸۱	۱۱/۰۵۷
جریان وجوه نقد آزاد مازاد	۰/۲۳۸	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی	۰/۲۶۶	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
تغییر حسابرس	۰/۲۸۴	۰/۰۰۰	۰/۴۵۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
نوع اظهارنظر حسابرس	۰/۲۵۶	۰/۰۰۰	۰/۴۳۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
اندازه‌ی شرکت	۵/۵۷۳	۵/۵۶۹	۰/۵۳۳	۳/۹۷۶	۷/۲۴۸
قدر مطلق اقلام تعهدی کل تعدیل شده	-۰/۰۲۶	-۰/۰۱۴	۰/۱۸۷	-۲/۹۲۶	۸/۶۰۹
اهرم مالی	۰/۶۶۶	۰/۶۵۸	۰/۲۱۰	۰/۱۴۶	۲/۰۷۷
زیان شرکت	۰/۱۲۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰

این نگاره نشان می‌دهد که متغیر مدیریت سود دارای میانگین و میانه به ترتیب، ۰/۰۱۵- و ۰/۰۰۲- است. این متغیر همچنین دارای انحراف معیاری برابر با ۰/۴۹۵ و مقدار کمینه و بیشینه‌ی آن به ترتیب ۳/۲۸۱- و ۱۱/۰۵۷ است. میانگین (انحراف معیار) جریان وجوه نقد آزاد مازاد و اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و تغییر حسابرس و نوع اظهارنظر حسابرس هریک به ترتیب، ۰/۲۳۸(۰/۴۲۶)، ۰/۲۶۶(۰/۴۲۶)، ۰/۲۸۴(۰/۴۵۱) و ۰/۲۵۶(۰/۵۳۳) است. نتایج آمار توصیفی سایر متغیرهای پژوهش نیز در نگاره بالا ارائه شده است. در پژوهش حاضر قبل از آزمون فرضیه‌ها به انجام آزمون F لیمر و آزمون هاسمن برای تعیین مناسب‌ترین مدل رگرسیونی در حالت تلفیقی/ترکیبی پرداخته و در نهایت آزمون فرضیه‌ها در سطح کل شرکت‌ها بررسی شده است.

## ۲-۶. آزمون F لیمر

قبل از آزمون فرضیه‌ها در مورد داده‌های ترکیبی ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر به انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های تابلویی پرداخته شده است. نتیجه‌ی آزمون F لیمر در نگاره (۲) ارائه شده است. در مواجهه با داده‌های تابلویی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا داده‌ها را می‌توان ادغام کرد یا خیر. فرضیه‌ی صفر این آزمون بیانگر استفاده از مدل داده‌های تلفیقی است و در این صورت نیازی به استفاده از تجزیه و تحلیل پانلی نیست (بالتاجی، ۲۰۰۸).

### نگاره ۲: نتایج آزمون F لیمر

مدیریت سود		فرضیه	
سطح معناداری	آماره		
۰/۰۰۲۰	۲/۹۲۴	فرعی اول	اصلی
۰/۰۰۲۲	۲/۸۹۲	فرعی دوم	
۰/۰۰۱۷	۲/۹۷۸	فرعی سوم	

### مقدار احتمال

آماره آزمون برای همه فرضیه‌ها کمتر از ۰/۰۵ است؛ در نتیجه فرضیه‌ی صفر این آزمون رد می‌شود؛ بنابراین داده‌ها قابلیت ادغام ندارد و به‌جای داده‌های ترکیبی بایستی از داده‌های تابلویی استفاده کرد.

### ۳-۶. آزمون هاسمن

بعد از اینکه مشخص شد داده‌ها به‌صورت پانل دیتا هستند؛ در ادامه باید مشخص شود که از کدام روش اثرات ثابت و یا روش اثرات تصادفی برای تخمین استفاده شود؟ لذا برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در نگاره (۳) ارائه شده است.

$$\begin{cases} H_0: b_s = \beta_s & \text{روش اثرات تصادفی} \\ H_1: b_s \neq \beta_s & \text{روش اثرات ثابت} \end{cases}$$

نگاره ۳: نتایج آزمون هاسمن به کمک آماره  $\chi^2$  محاسباتی در سطح ۵ درصد

مدیریت سود		فرضیه	
سطح معناداری	آماره		
۰/۰۰۰۸	۲۴/۸۵۰	فرعی اول	اصلی
۰/۰۰۱۶	۲۳/۰۹۰	فرعی دوم	
۰/۰۰۰۵	۲۵/۸۰۶	فرعی سوم	

آزمون هاسمن و میزان احتمال پذیرفته شدن فرض صفر در جدول بالا آورده شده است. چون سطح معنی‌داری آزمون تمام فرضیه‌ها کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است می‌توان نتیجه گرفت که روش مناسب برای برآورد مدل روش اثرات ثابت است.

### ۴-۶. آزمون فرضیه‌های پژوهش

#### ۱-۴-۶. نتایج آزمون فرضیه‌ی فرعی اول

«اندازه‌ی مؤسسه حسابرسی رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود را تعدیل

می‌کند.»



برای آزمون این فرضیه ابتدا مدل رگرسیون با الگوی اثرات ثابت را اجرا کرده و سپس از آزمون والد برای مقایسه‌ی میزان تأثیر ضرایب بر متغیر وابسته پرداخته می‌شود.

نگاره ۴: نتایج برآورد الگوی رگرسیون فرضیه‌ی فرعی اول (متغیر وابسته: مدیریت سود)

$DAC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SFCF_{it} + \alpha_2 Auditsize_{it} + \alpha_3 SFCF \times Auditsize_{it} + \alpha_4 FSize_{it} + \alpha_5 AbsTAC_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} + \alpha_7 Loss + \varepsilon_i$			مدل فرضیه
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	متغیرهای تحقیق
۰/۳۳۵۶	۰/۹۶۳۳	۰/۰۲۶۹	ضریب ثابت
۰/۰۴۳۵	۰/۴۴۹۰	۰/۰۰۲۹	جریان‌های نقد آزاد مازاد
۰/۰۳۴۸	۲/۲۸۷۴	۰/۰۱۴۳	اندازه‌ی مؤسسه حسابرسی
۰/۰۲۶۳	-۲/۴۵۹۱	-۰/۰۳۰۳	اندازه‌ی مؤسسه حسابرسی* جریان‌های نقد آزاد مازاد
۰/۵۱۵۷	-۰/۶۵۰۲	-۰/۰۰۳۲	اندازه‌ی شرکت
۰/۰۰۰۰	۱۷۹/۰۰۹۳	۱/۱۸۶۰	قدر مطلق اقلام تعهدی تعدیل شده
۰/۲۷۳۴	۱/۰۹۵۸	۰/۰۱۵۳	اهرم مالی
۰/۰۶۰۰	-۱/۸۸۲۹	-۰/۰۱۶۲	زیان
	۲۰۸۹/۱۶۰		آماره F
	۰/۰۰۰		احتمال آماره F
	۱/۹۰۰		آماره دوربین واتسون
	۰/۷۲۹۷		ضریب تعیین
	۰/۷۲۹۲		ضریب تعیین تعدیل شده

طبق نتایج نگاره (۴) مشاهده می‌شود که مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره (۰/۰۰۰)، نشان می‌دهد مدل رگرسیون برآورد شده در کل معنادار است. در این مدل مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۷۲۹۷ است؛ بدین معنی که متغیر مستقل، ۷۲ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. مقدار بالای ضریب تعیین، نشان‌دهنده قدرت بالای توضیح

دهندگی مدل در تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل است. افزون بر این نتایج حاصل از بررسی خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین- واتسون که برابر ۱/۹۰۰ است، چون مقدار آماره دوربین واتسون بین ۱,۵ و ۲,۵ است می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجزای خطا در مدل همبستگی فاقد معنی‌داری و رفتاری مستقل از هم دارند و بیانگر نبود خطاهای خودهمبستگی مدل است.

همچنین با توجه به نتایج جدول فوق حاصل از بررسی ضرایب متغیرها ملاحظه می‌شود که سطح معناداری آماره t (P-Value) مربوط به متغیر جریان‌های نقد آزاد مازاد و تعامل اندازهی مؤسسه حسابداری با جریان‌های نقد آزاد مازاد، کمتر از ۰/۰۵ است و این بدان معناست که بین مدیریت سود و متغیرهای مستقل و تعدیل‌کننده رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

مدل رگرسیونی برازش شده به صورت زیر مشخص می‌شود:

$$DAC_{it} = 0.0269 + 0.0029SFCF_{it} + 0.0143Auditsize_{it} - 0.0303SFCF \times Auditsize_{it} - 0.0032FSize_{it} + 1.1860AbsTAC_{it} + 0.0153Leverage_{it} - 0.0162Loss + \varepsilon_i$$

ضرایب جریان‌های نقد آزاد مازاد و تعامل اندازهی مؤسسه حسابداری با جریان‌های نقد

آزاد مازاد به وسیله آزمون والد مقایسه می‌شوند:

$$\begin{cases} H_0: \beta_1 = \beta_2 \\ H_1: \beta_1 \neq \beta_2 \end{cases}$$

نگاره ۵: آزمون والد مربوط به ضرایب  $\beta_1$  و  $\beta_2$  (فرضیهی فرعی اول)

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره F
۰/۰۰۰۷	۱/۹۲۴	۱۴/۲۹۷

چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد شده و می‌توان گفت که ضرایب دو متغیر تفاوت معنی‌داری دارد. در اینجا ضریب جریان‌های نقد آزاد مازاد ۰/۰۰۲۹ است که با ورود اندازهی مؤسسه حسابداری بر مدل، ضریب تعامل اندازهی مؤسسه حسابداری با جریان‌های نقد آزاد مازاد برابر با ۰/۰۳۰۳- است که نشان‌دهندهی این است که اندازهی

مؤسسه‌ی حسابرسی بر رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود تأثیر قابل توجهی دارد. رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد با مدیریت سود مثبت است و با ورود اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی، رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود منفی می‌شود و همچنین مدیریت سود با شدت بیشتر، کاهش می‌یابد.

#### ۲-۴-۶. نتایج آزمون فرضیه‌ی فرعی دوم

«تغییر حسابرسی، رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.»  
 برای آزمون این فرضیه ابتدا مدل رگرسیون با الگوی اثرات ثابت را اجرا کرده و سپس از آزمون والد برای مقایسه‌ی میزان تأثیر ضرایب بر متغیر وابسته پرداخته می‌شود.

#### نگاره ۶: نتایج برآورد الگوی رگرسیون فرضیه‌ی فرعی دوم (متغیر وابسته: مدیریت سود)

$DAC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SFCF_{it} + \alpha_2 Auditchange_{it} + \alpha_3 SFCF \times Auditchange_{it} + \alpha_4 FSize_{it} + \alpha_5 AbsTAC_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} + \alpha_7 Loss + \varepsilon_i$			مدل فرضیه
متغیرهای تحقیق	ضرایب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۰۳۰۴	۱/۱۱۲۲	۰/۲۶۶۳
جریان نقد آزاد مازاد	۰/۰۰۳۲	۰/۵۳۰۱	۰/۵۹۶۱
تغییر حسابرسی	-۰/۰۰۰۳	-۰/۰۵۰۳	۰/۹۵۹۸
تغییر حسابرسی* جریان‌های نقد آزاد مازاد	-۰/۰۰۰۶۴	-۴/۴۷۷۶	۰/۰۳۳۰
اندازه‌ی شرکت	-۰/۰۰۰۴۰	-۰/۸۵۲۶	۰/۳۹۴۰
قدر مطلق اقلام تعهدی تعدیل‌شده	۱/۱۸۵۲	۱۷۸/۸۴۸۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۱۴۸	۱/۰۶۸۶	۰/۲۸۵۵
زیان	-۰/۰۱۶۴	-۱/۹۱۹۳	۰/۰۵۵۲
آماره F		۲۰۸۵/۷۷۴	
احتمال آماره F		۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون		۱/۹۰۳۶	
ضریب تعیین		۰/۷۲۱۶	
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۷۲۱۱	

طبق نتایج نگاره (۶) مشاهده می‌شود مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره (۰/۰۰۰)، نشان می‌دهد که مدل رگرسیون برآورد شده در کل معنادار است. در این مدل مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۷۲ است؛ بدین معنی که متغیر مستقل، ۷۲ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. مقدار بالای ضریب تعیین نشان‌دهنده‌ی قدرت بالای توضیح دهنده‌ی مدل در تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل است.

افزون بر این نتایج حاصل از بررسی خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین-واتسون که برابر ۱/۹۰۳ است، چون مقدار آماره دوربین واتسون بین ۱،۵ و ۲،۵ است می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجزای خطا در مدل همبستگی فاقد معنی‌داری و رفتاری مستقل از هم دارند و بیانگر نبود خطاهای خودهمبستگی مدل است.

همچنین با توجه به نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرها ملاحظه می‌شود که سطح معناداری آماره t (P-Value) مربوط به متغیر جریان‌های نقد آزاد مازاد و تعامل تغییر حسابرس با جریان‌های نقد آزاد مازاد کمتر از ۰/۰۵ است و این بدان معناست که بین مدیریت سود و متغیرهای مستقل و تعدیل‌کننده رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

مدل رگرسیونی برآزش شده به صورت زیر مشخص می‌شود:

$$DAC_{it} = 0.0304 + 0.0032SFCF_{it} - 0.003Auditchange_{it} - 0.0064SFCF \times \\ Auditchange_{it} - 0.0040 \\ FSize_{it} + 1.1852AbsTAC_{it} + 0.0148Leverage_{it} - 0.0164 Loss + \varepsilon_i$$

ضرایب جریان‌های نقد آزاد مازاد و تعامل تغییر حسابرس با جریان‌های نقد آزاد مازاد

به وسیله‌ی آزمون والد مقایسه می‌شوند:

$$\begin{cases} H_0: \beta_1 = \beta_2 \\ H_1: \beta_1 \neq \beta_2 \end{cases}$$

نگاره ۷. آزمون والد مربوط به ضرایب  $\beta_1$  و  $\beta_2$  (فرضیه‌ی فرعی دوم)

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره F
۰/۰۰۰۸	۱/۹۲۴	۱۰/۳۵۱۹

چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد شده و می‌توان گفت که ضرایب دو متغیر تفاوت معنی‌داری دارد. در اینجا ضریب جریان‌های نقد آزاد مازاد ۰/۰۰۳۲ است که با ورود متغیر تغییر حسابرِس بر مدل، ضریب تعامل تغییر حسابرِس با جریان‌های نقد آزاد مازاد برابر با ۰/۰۰۶۴- است که نشان‌دهنده‌ی این است که تغییر حسابرِس بر رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود تأثیر قابل‌توجهی دارد. رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد با مدیریت سود مثبت و با ورود تغییر حسابرِس رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود منفی می‌شود و همچنین مدیریت سود با شدت بیشتر کاهش می‌یابد.

### ۳-۴-۶. نتایج آزمون فرضیه‌ی فرعی سوم

«نوع اظهارنظر حسابرِس، رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.»

نگاره ۸: نتایج برآورد الگوی رگرسیون فرضیه‌ی فرعی سوم (متغیر وابسته: مدیریت سود)

$DAC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SFCF_{it} + \alpha_2 Audopinion_{it} + \alpha_3 SFCF \times Audopinion_{it} + \alpha_4 FSize_{it} + \alpha_5 AbsTAC_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} + \alpha_7 Loss + \varepsilon_i$		مدل فرضیه	
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	متغیرهای تحقیق
۰/۳۰۴۲	۱/۰۲۸۱	۰/۰۲۷۸	ضریب ثابت
۰/۳۹۰۲	۰/۸۵۹۷	۰/۰۰۵۱	جریان‌های نقد آزاد مازاد
۰/۲۸۶۲	۰/۰۶۷۰	۰/۰۰۷۹	نوع اظهارنظر حسابرِس
۰/۹۶۹۳	۰/۰۳۸۵	۰/۰۰۰۶	نوع اظهارنظر حسابرِس* جریان‌های نقد آزاد مازاد
۰/۳۷۱۴	-۰/۸۹۴۳	-۰/۰۰۴۲	اندازه‌ی شرکت
۰/۲۳۲۱	۱۷۹/۱۲۴۴	۱/۱۸۵۳	قدر مطلق اقلام تعهدی تعدیل شده
۰/۰۸۰۳	۱/۱۹۵۹	۰/۰۱۶۶	اهرم مالی
۰/۳۰۴۲	-۱/۷۵۰۹	-۰/۰۱۵۱	زیان

متغیرهای تحقیق	ضرایب	آماره t	سطح معناداری
آماره F		۲۰۸۵/۵۳۴	
احتمال آماره F		۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون		۱/۸۹۸	
ضریب تعیین		۰/۷۱۳	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۱۲		

طبق نتایج نگاره (۸) مشاهده می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره (۰/۰۰۰)، نشان می‌دهد که مدل رگرسیون برآورد شده در کل معنادار است. در این مدل مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۷۱ است؛ بدین معنی که متغیر مستقل، ۷۱ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. مقدار بالای ضریب تعیین نشان‌دهنده‌ی قدرت بالای توضیح دهنده‌ی مدل در تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل است.

افزون بر این نتایج حاصل از بررسی خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین-واتسون که برابر ۱/۸۹۸ است، چون مقدار آماره دوربین واتسون بین ۱،۵ و ۲،۵ است می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجزای خطا در مدل همبستگی فاقد معنی‌داری و رفتاری مستقل از هم دارند و بیانگر نبود خطاهای خودهمبستگی مدل است.

همچنین با توجه به نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرها ملاحظه می‌شود که سطح معناداری آماره t (P-Value) مربوط به متغیر جریان‌های نقد آزاد مازاد و تعامل نوع اظهارنظر حسابرس با جریان‌های نقد آزاد مازاد بیشتر از ۰/۰۵ است و این بدان معناست که بین مدیریت سود و متغیرهای مستقل رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

با توجه به اینکه سطح معناداری آماره t، رابطه‌ی معنادار وجود ندارد، دیگر نیاز به آزمون والد نیست.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش قبلی نویسندگان تحت عنوان «رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و کیفیت

حسابرسی با مدیریت سود (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)» بیانگر رابطه‌ی مثبت بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود بود. در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر متغیر تعدیل‌کننده‌ی کیفیت حسابرسی بر رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود پرداخته شد.

مهم‌ترین شاخص اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، حسن شهرت حسابرس و اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی است. به‌عنوان مثال بکر و همکاران (۱۹۹۸)، گول و همکاران (۲۰۰۳) و لین و هاوانگ (۲۰۱۰)، استدلال می‌کنند که انتظار می‌رود حسابرسان با کیفیت بالا، احتمال بیشتری برای شناسایی شیوه‌های مدیریت سود داشته باشند. هرچه کیفیت حسابرسی بیشتر باشد مدیریت توانایی کم‌تری در دست‌کاری سود دارد. استفاده از کانون نظارتی خارجی، از جمله مؤسسه‌ی حسابرسی با کیفیت بالا و باشهرت (سازمان حسابرسی)، تعارض مربوط به هزینه‌ی نمایندگی ناشی از جریان‌های نقد آزاد مازاد را کاهش می‌دهد و به عبارتی مدیریت سود ناشی از جریان نقد آزاد مازاد را تعدیل می‌کند. این نتیجه مشابه پژوهش‌های چانگ و همکاران (۲۰۰۵)، راسمین و همکاران (۲۰۱۴) در مالزی و مغایر با پژوهش نخیلی (۲۰۱۶) است.

با توجه به دیدگاه موافق، تغییر حسابرس می‌بایست به‌صورت دوره‌ای در شرکت‌ها انجام گیرد تا استقلال مؤسسات حسابرسی بیشتر حفظ شود. همچنین که بسیاری از قانون‌گذاران بر این اعتقادند که روابط طولانی‌مدت حسابرس و صاحب‌کار توان نظارتی حسابرس و همچنین کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد، لذا با کاهش طول مدت رابطه‌ی حسابرس و صاحب‌کار، استقلال حسابرس بیشتر می‌شود و در نتیجه افزایش استقلال مؤسسات حسابرسی نیز می‌تواند کیفیت حسابرسی را افزایش دهد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ی فرعی دوم حاکی از آن است که چرخش اجباری حسابرس همانند پژوهش کارسلو و ناگی (۲۰۰۴) و جعفری و همکاران (۱۳۹۲) و مغایر با پژوهش حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹) موجب افزایش استقلال و کیفیت حسابرسی می‌شود. همین امر باعث کاهش مدیریت سود ناشی از جریان‌های نقد آزاد مازاد می‌شود و به عبارتی تغییر حسابرس به‌عنوان شاخص کیفیت حسابرسی رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود را تعدیل می‌کند. هرچه فرایند حسابرسی بتواند

مدیریت سود را کاهش دهد در آن صورت کیفیت حسابرسی نیز بالاتر است. مطابق با پژوهش بوتلر (۲۰۰۴) انتظار می‌رود هرچه مدیریت سود بیشتر شود، تعداد بندهای اظهارنظر حسابرسان افزایش یابد. نتایج حاصل از فرضیه‌ی سوم فرعی حاکی از عدم ارتباط معنادار در سطح ۹۵٪ است و باعث تعدیل رابطه‌ی جریان‌های نقد آزاد و مدیریت سود نمی‌شود. نهایتاً نتایج فرضیه‌ی اصلی حاکی از آن است که با توجه به اینکه بین مدیریت و سهامداران تضاد منافع وجود دارد و مدیران در پی حداکثر کردن پاداش و مزایای خود هستند، انگیزه یکافی برای دست‌کاری و تحریف ارقام حسابداری در مدیران وجود دارد. در نتیجه مدیریت در پی حداکثر کردن منافع خود با هزینه‌ی سهامداران و شرکت است. حسابرسان به‌عنوان یک واسطه می‌توانند تضاد منافع بین سهامداران و مدیریت را کاهش داده و باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی شوند. استفاده از کانون نظارتی خارجی، از جمله مؤسسه حسابرسان با کیفیت بالا و با شهرت و همچنین تغییر دوره‌ای حسابرسان که به‌عنوان شاخص‌های کیفیت حسابرسان هستند، تعارض مربوط به هزینه‌ی نمایندگی ناشی از جریان‌های نقد آزاد و پاداش را کاهش می‌دهد و به عبارتی مدیریت سود ناشی از جریان نقد آزاد را تعدیل می‌کند و باعث کاهش مدیریت سود با شدت بیشتر می‌شود.

## ۸. پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

با توجه به تأثیر مثبت متغیر تعدیل‌کننده‌ی اندازه مؤسسه‌ی حسابرسان بر رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد و پاداش (جریان‌های نقدی آزاد بالا و رشد اندک) و مدیریت سود، پیشنهاد می‌شود که شرکت‌ها کار حسابرسان را به مؤسسات بزرگ واگذار کنند و همچنین با توجه به اینکه مؤسسات حسابرسان بزرگ از جمله سازمان حسابرسان، در شرکت‌هایی با جریان‌های نقد آزاد و پاداش، مدیریت سود را بیشتر از دیگر مؤسسات، کاهش می‌دهند؛ بنابراین برای دستیابی به کیفیت بالای حسابرسان به جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران پیشنهاد می‌شود که در خصوص ترغیب و تشویق و بسترسازی برای ادغام مؤسسات حسابرسان کوچک اقدامات بایسته را به عمل آورد و به مؤسسات حسابرسان پیشنهاد می‌شود با توجه به تقاضای صاحب‌کاران برای



ادغام مؤسسات حسابرسی کوچک و بزرگ شدن آن‌ها اقدامات بایسته را به عمل آورند. با توجه به اینکه تغییر حسابرس باعث می‌شود در شرکت‌هایی با جریان‌های نقد آزاد مازاد، مدیریت سود کاهش یابد، در نتیجه به شرکت‌ها توصیه می‌شود نسبت به تغییر داوطلبانه‌ی حسابرس اقدام کنند. به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و جامعه‌ی حسابداران رسمی کشور نیز پیشنهاد می‌شود نسبت به اجرای دستورالعمل تغییر چهارساله حسابرسان نظارت جدی صورت گیرد.

#### ۹. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

در این تحقیق از اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و تغییر حسابرس و نوع اظهارنظر حسابرس برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده شده است. پیشنهاد می‌شود که از دیگر شاخص‌های کیفیت حسابرسی از قبیل تخصص صنعت حسابرس، دوره‌ی تصدی، حق الزحمه‌ی حسابرس، استقلال حسابرس بررسی شود و همچنین مدیریت سود و جریان نقد آزاد را با استفاده از مدلی غیر از مدل تعدیل‌شده‌ی جونز و مدل لن و پولسن اندازه‌گیری شود و رابطه‌ی آن با معیارهای کیفیت حسابرسی بررسی شود. می‌توان این پژوهش را به صورت مقایسه‌ای در بین کشورهای مختلف با لحاظ محدودیت‌های موجود، انجام گیرد و نتیجه‌ی آن مقایسه شود.

#### ۱۰. محدودیت‌های پژوهش

در انجام هر پژوهش برای پژوهش‌گر محدودیت‌هایی برای دستیابی به اهداف پژوهش وجود دارد. این پژوهش نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. عمده‌ترین محدودیت موجود بر سر راه این پژوهش به شرح زیر است:

(۱) در ایران تاکنون پژوهشی در مورد جریان‌های نقد آزاد مازاد با متغیرهای به‌کاربرده شده در این پژوهش، در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام نشده است. این مطلب موجب آن شده که مقایسه‌ی این پژوهش با پژوهش‌های داخلی دیگر امکان‌پذیر نباشد؛

(۲) از دیگر مشکلات موجود در این پژوهش عدم سابقه‌ی زیاد شرکت‌های فعال در بورس

اوراق بهادار است که با توجه به این محدودیت، نمونه‌ی آماری محدود به آن دسته از شرکت‌هایی شده که اطلاعات آماری مربوط به آن‌ها موجود بود.

### یادداشت‌ها

1. Net Present Value (NPV)
2. Surplus Free Cash Flows (SFCF)

### منابع

#### الف. فارسی

- ابراهیمی کردلر، علی و سیدی، سید عزیز (۱۳۸۷). نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵ (۵۴)، زمستان، ۱۶-۳.
- بشکوه، مهدی و جهانگیری لیواری، علی (۱۳۹۲). تأثیر مشکل نمایندگی جریان‌های نقد آزاد بر مربوط بودن سودها و ارزش‌های دفتری. *فصلنامه‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰ (۱)، بهار، ۳۵-۵۲.
- بنی‌مهد، بهمن؛ مرادزاده فرد، مهدی و زینالی، مهدی (۱۳۹۲). رابطه‌ی بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهارنظر حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۱۴(۴)، ۱۰۸-۹۱.
- بهارمقدم، مهدی و قائدی‌ها، حمیدرضا (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی بین اقلام تعهدی اختیاری و تغییر حسابرس. *دانش حسابداری*، ۶(۲۰)، ۱۲۱-۱۰۵.
- پیری، پرویز و توپره‌ریزی، شهرزاد (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مشکلات ناشی از هزینه‌های نمایندگی جریان نقدی آزاد بر محتوای اطلاعاتی سود و ارزش دفتری هر سهم. *پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی*، ۱ (۲)، ۱۱۶-۹۹.
- پیری، پرویز و برزگری صدقیانی، سمانه (۱۳۹۵). بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی تصدی و تغییر حسابرس با کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس مدل کاسنیک. *پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۸(۲)، پاییز و زمستان، ۹۱-۶۵.
- ثقفی، علی؛ مرادی‌جز، محسن و سهرابی، حسینعلی (۱۳۹۳). رابطه‌ی مدیریت سود و عدم

- تقارن اطلاعاتی در شرایط نا اطمینانی محیطی. *دانش حسابداری*، ۱۷، ۲۷-۷.
- جبارزاده کنگرلوپی، سعید و متوسل، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی بین کیفیت حسابداری و اقامه‌ی دعوا علیه حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۴(۵۶)، ۸۷-۶۹.
- جعفرنژاد، رضا و احدی سرکانی، سید یوسف (۱۳۹۴). بررسی عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر حق الزحمه‌ی حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر تغییرات استانداردهای حسابداری تجدیدنظر شده. *سیزدهمین همایش ملی حسابداری ایران*، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی مدیریت.
- جعفری، علی؛ جعفری، همت؛ حسینی، محمد و رسایان، امیر (۱۳۹۲). بررسی تأثیر تغییر حسابرس بر کیفیت حسابداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۳(۵۱)، ۲۵-۴۲.
- حساس یگانه، یحیی و جعفری، ولی‌اله (۱۳۸۹). بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابداری بر کیفیت گزارش حسابداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصل‌نامه‌ی بورس اوراق بهادار*، ۹، ۲۵.
- خواجوی، شکراله و ابراهیمی میمند، مهدی (۱۳۹۴). رابطه‌ی بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه‌ی سود. *دانش حسابداری*، ۶(۲۲)، ۵۶-۲۹.
- ستایش، محمدحسین و صالحی نیا، محسن (۱۳۹۴). تأثیر ساختار مالکیت و ساختار سرمایه بر جریان‌های نقد آزاد. *پژوهشنامه‌ی حسابداری مالی و حسابداری*، ۲۵، ۱۵-۳۲.
- ستایش، محمدحسین و صیادی، لیدا (۱۳۹۵). بررسی رابطه‌ی بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و کیفیت حسابداری بر مدیریت سود (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران). *چهاردهمین همایش حسابداری ایران*، دانشگاه ارومیه.
- سینایی، حسنعلی و رشیدی‌زاد، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی ارتباط تغییرات سهم بازار با ارزش‌گذاری، عایدات و فرصت‌های رشد آتی شرکت‌ها. *فصلنامه‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابداری*، ۱۷(۵۹)، ۳۱-۶۶.
- مرادی، مهدی؛ سعیدی، مجتبی و رضایی، غلامرضا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر اندازه و استقلال

- هیئت‌مدیره بر هزینه‌های نمایندگی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲(۷)، ۳۵-۵۳.
- موسی رضایی، فریبرز (۱۳۹۱). بررسی اثر کیفیت حسابداری بر ارتباط بین جریان وجوه نقد آزاد و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، واحد علوم و تحقیقات مرکزی.
- مهدوی، غلامحسین و حسینی نیا، سمیه (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی کیفیت حسابداری بر کاهش تأخیر در ارائه‌ی گزارش حسابداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله‌ی دانش حسابداری، ۶(۲۱)، ۷-۳۱.
- نمازی، محمد و شکرالهی، احمد (۱۳۹۲). بررسی تعامل بین جریان نقدی آزاد، سیاست بدهی و ساختار مالکیت با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان؛ مطالعه‌ی موردی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، دانشگاه شیراز، ۵(۲)، پیاپی ۶۵/۳، ۲۱۰-۱۶۹.
- نمازی، محمد؛ بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری، ۳(۹)، ۴-۲۱.
- نونهال نهر، علی‌اکبر؛ علی نژاد ساروکلانی، مهدی و خضری، پریسا (۱۳۹۲). ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرس بر مدیریت سود در شرکت‌های تازه پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۲(۷)، ۱۱۴-۱۰۳.

#### ب. انگلیسی

- Baltagi, B. (2008). *Econometric Analysis of Panel Data*. 4<sup>th</sup> Edition, NY: John Wiley and Sons.
- Becker, C. L., DeFond, M. L., Jiambalvo, J., & Subramanyam, K. R. (1998). The effect of audit quality on earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 15 (1), 1-24.
- Bliss, M. A., Gul, F. A., & Majid, A. (2011). Do political connections affect the role of independent audit committees and CEO duality? Some evidence from Malaysian audit pricing. *Journal of Contemporary Accounting Economics*, 7(2), 82-98.

- Bukit, R. B., & Iskandar, T. M. (2009). Surplus free cash flow, earnings management and audit committee. *International Journal of Economics and Management*, 3(1), 204-223.
- Butler, M., Leone, A. J., & Willenborg, M. (2004). An empirical analysis of auditor reporting and its association with abnormal accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 37, 139-165.
- Carcello, J., & Nagy, A. (2004). Client size, auditor specialisation and fraudulent financial reporting. *Managerial Auditing Journal*, 19(5), 651-668.
- Chung, R., Firth, M., & Kim, J. B. (2005a). FCF agency costs, earnings management, and investor monitoring. *Corporate Ownership and Control*, 2, 51-61.
- Chung, R., Firth, M., & Kim, J. B. (2005b). Earnings management, surplus free cash flow, and external monitoring. *Journal of Business Research*, 58, 766-776.
- DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3) 183-199.
- Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70(2), 193-225.
- Gul, F. A., & Tsui, J. S. L. (1998). A test of the free cash flow and debt monitoring hypotheses: Evidence from audit pricing. *Journal of Accounting and Economics*, 24, 219-237.
- Gul, F. A., Chen, C. J. P., & Tsui, J. S. L. (2003) Discretionary accounting accruals, managers' incentives, and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 20(3), 441-464.
- Gul, F. A., Fung, S. Y. K. & Jaggi, B. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47(3), 265-287.
- Gul, F. A., Kim, J. B., & Qiu, A. A. (2010). Ownership concentration, foreign shareholding, audit quality, and stock price synchronicity: Evidence from China. *Journal of Financial Economics*, 95 (3), 425-442.

- Inaam, Z., & Khamoussi, H. (2016). Audit committee effectiveness, audit quality and earning management: A meta- analysis. *International Journal of Law and Management*, 58(2), 179-196.
- Jaggi, B., & Gul, F. A. (1999). An analysis of joint effects of investment opportunity set, free cash flows and size on corporate debt policy. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 12(4), 371-381.
- Jaggi, B., & Gul, F. A. (2006). Evidence of accruals management: A test of the free cash flow and debt monitoring hypotheses. *Working Paper*, <http://ssrn.com/abstract=2699>.
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American Economic Review*, 76(2), 323-329.
- Jones, J. (1991). Earning management during import relief investigation. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-228.
- Jurkus, A. F., Park, J. C., & Woodard, L. S. (2010). Women in Top Management and Agency Costs. *Journal of Business Research*, 64, 1-7.
- Lai, K. (2009). Does audit quality matter more for firms with high investment opportunities? *Journal of Accounting and Public Policy*, 28(1), 33-50.
- Lehn, K., & Poulse, A. (1989). Free cash flow and stock holder gains in gohng private transactions. *The Journal of Finance*, 44, 771-787.
- Lin, J. W., & Hwang, M. I. (2010). Audit quality, corporate governance, and earnings management: A meta-analysis. *International Journal of Auditing*, 14(1), 57-77.
- Nekhili, M., Ben Amer, I. F., Chtioui, T., & Faten, L. (2016). Free cash flow and earnings management: The moderating role of governance and ownership. *The Journal of Applied Business Research*, 32(1), 255- 268.
- Piot, C., & Janin, R. (2007). External auditors, audit committees and earnings management in France. *European Accounting Review*, 16 (2), 429-454.
- Rahman, A. F., & Mohd-Saleh, N. (2008). The effect of free cash flow agency problem on the value relevance of earnings and book value.

- Journal of Financial Reporting and Accounting*, 6(1), 75-90.
- Redhwan, A., & Ismai, K. Ku. (2013). Surplus free cash flow and the effect of corporate governance on the informativeness of earnings. *International Business Management*, 7(3), 214-228.
- Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow. *Review of Accounting Studies*, 11(2), 159-189.
- Rusmin, R. W., & Hartadi Bambang, A. E. (2014). The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management. *Asian Review of Accounting*, 22(3), 217-232.
- Vogt, S.C. (1994). The cash flow-investment relationship: Evidence from US manufacturing firms. *Financial Management*, 23(2), 3-20.
- Wang, G. Y. (2010). The Impacts of free cash flows and agency costs on firm performance. *Journal of Service Science and Management*, 3, 408-418.
- Wei, K. C. J., & Zhang, Y. (2008). Ownership structure, cash flow, and capital investment: Evidence from East Asian Economics before the financial crisis. *Journal of Corporate Finance*, 14(2), 118-132.
- Wu, S., Chen, C., & Lee, P. (2016). Independent directors and earnings management: The moderating effects of controlling shareholders and the divergence of cash-flow and control rights. *The North American Journal of Economics and Finance*, 35, 153-165.